هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

سرمقاله

باید جلو حملات راکتی پاکستان را گرفت

ص۲

تاریخچۀ جمعیت اسلامی افغانستان
قیام مسلحانه سال ۱۳۵٤

ص۲

دور ششم – سال دهم – شمارۀ چهاردهم ۱۸ سرطان ۱۳۹۰ ۷ شعبان المعظم ۱۴۳۲ - 9 July 2011



نخست وزیر بریتانیا با رئیس شورای عالی صلح ملاقات کرد

پروفیسور برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح قبل از ظهر روز سه شنبه ۱۴ سرطان سال روان، با دیوید کامرون صدر اعظم بریتانیا در کابل ملاقات کرد. دراین ملاقات رئیس شورای عالی صلح از همکاری های کشور بریتانیا درعرصه های مختلف با افغانستان قدردانی نموده گفت که، روند مذاکره و مصالحه وظیفه دشوار است، اما در هر حال باید راه حل از طریق مذاکره و گفتگو جستجو گردد. رهبر جهاد و مقاومت تصریح کرد: شورای عالی صلح از بدو تأسیس ص۲

استاد برهان الدین ربانی در اجتماع جمعی از اعضای جمعیت اسلامی:

هرگاه همسایۀ شرقی و دستگاه های استخباراتی دست از حمایت گروه های شورشی بردارند، صلح حاکم می شود

- **ادارۀ کنونی کشور فاقد تیم متعهد و متحد است**
- **جمعیت اسلامی می تواند از طریق راه اندازی فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بحران ها را کنترول نماید**

در نشستی که جمعی از اعضای جمعیت اسلامی در پغمان گردهم آمده بودند، همایش با تلاوت ملکوتی آیاتی قرآنکریم آغاز یافت و سپس عبدالستار مراد رئیس کمیتۀ سیاسی جمعیت اسلامی ضمن خیر مقدم به حاضرین، اهداف گردهمایی را توضیح داد.

آقای مراد گفت جلسۀ امروزی به منظور این تدویر یافته است که اعضای جمعیت بعد از مدت ها یکدیگر را ببینند و از اظهارات جناب استاد ربانی مستفید شوند. آقای مراد فعالیت های مجمع عمومی جمعیت را بر شمرد و تأکید کرد که هشتاد در صد این فعالیت ها پیش رفته است و در آیندۀ نزدیک شاهد برگزاری مجمع عمومی خواهیم بود.

سپس استاد برهان الدین ربانی رهبر خردمند جمعیت اسلامی افغانستان، طی سخنانی، اعضای جمعیت را متوجه وظایف و مسوولیت های حزبی و ملی شان نمود. در این نشست استاد ربانی اعضای جمعیت را در جریان حوادث و رخدادهای که مربوط به اوضاع جنگ و صلح در افغانستان و منطقه می گردد، قرار داد.

استاد تصریح کرد که، جمعیت اسلامی افغانستان، به عنوان یک حزب سیاسی مربوط به تمام اقوام افغانستان بوده و رسالت ملی خود را طی بیش از سه دهه در برابر وطن و ارزش های ملی اداء نموده و کماکان این مسیر ادامه می یابد. ص۳

سفر صدراعظمان بریتانیا و کانادا به افغانستان

سه شنبه ۱۴ سرطان دیوید کامرون صدراعظم انگلستان مانند معمول بدون اعلام قبلی وارد افغانستان شد. وی در این سفر به ولایت هلمند رفت که بخش بزرگی از نیروهای انگلیسی در آنجا مستقر اند. وی در حالی وارد کمپ باستون در ولایت هلمند شد که طالبان یک سرباز بریتانیائی را در این ولایت ربودند. قبلا وی تصمیم داشت تا به وسیلۀ هلیکوپتر به لشکرگاه مرکز ولایت هلمند نیز برود اما این برنامه به این دلیل لغو شد که هلیکوپتر های انگلیسی در عملیات جستجو و نجات سرباز ربوده شده مشغول بودند. فرماندهان نظامی انگلیسی در افغانستان نمی خواستند سفر کامرون با واقعۀ ناخوش آیندی همراه باشد و به همین دلیل برای یافتن سرباز ناپدید شده دست به عملیات زمینی و هوایی زدند و طالبان نیز مجبور شدند تا سرباز مذکور را بکشند که بعدا جسد وی در ولسوال نهر سراج هلمند یافت شد.

نیروهای غربی مستقر در افغانستان نمی خواهند سربازان شان به دست طالبان اسیر گردند. به همین دلیل احیانا اگر سربازی به دست طالبان اسیر می گردد، آنها به سرعت دست به کار می شوند بدون اینکه به این مسئله توجه نمایند که این اقدام شان می تواند جان سرباز اسیر را به خطر مواجه سازد. در این مورد نیز سربازان انگلیسی دست به اقدامی زدند که به مرگ سرباز اسیر انجامید.

کامرون هنگام رسیدن به کمپ باستون گفت که هنگام رسیدن به افغانستان از ناپدید شدن سرباز مذکور اطلاع حاصل کردم. از رفتن به لشکرگاه به این دلیل منصرف شدم که باید به نجات سرباز اولویت قایل شویم و هلیکوپترها مشغول این ماموریت بودند. ص۷

جمعیت اسلامی و خواهران

ص۶

***

فضای مخنث داخلی، دشمنان مردم افغانستان را جسورتر ساخته

ص۶

***

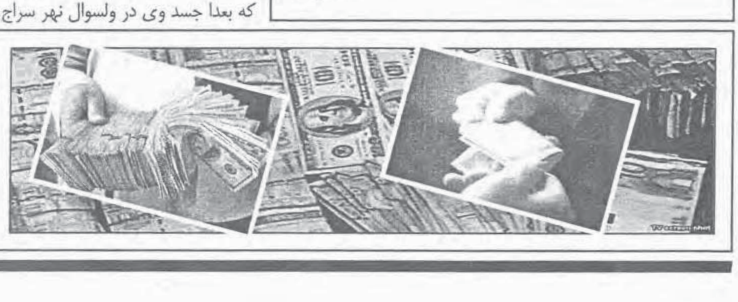
د تیلو د بیو لوړوالی او د افغان دولت مسوولیت

ص۳

نامۀ سرگشاده به رئیس جمهور افغانستان

«طرحی در مبارزه با فساد در افغانستان»

ص۵



مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان

شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ / ۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid۱۳۵۷@Yahoo. com

سرمقاله

باید جلو حملات راکتی پاکستان را گرفت

سال هاست که شهروندان کشورما در آتش نا امنی و جنگ می سوزند و از این ناحیه آسیب می بینند. خصوصاً بعد از آمدن طالبان و گروه های تروریستی و شبکهٔ القاعده چه مصیبت هایی که باشندگان این کشور متقبل نشدند. در حالی که کوله بار حملات انفجار و انتحاری و نا امنی روی شانه های مردم ما گرانی می کند، با اضافه شدن حملات راکتی از خاک پاکستان، گرانی مصیبت ها، شانه خم کن شده است. این حملات که نزدیک به یک ماه می شود در ولایات هم سرحد کشور (کنرها، پکتیا، پکتیکا و ننگرهار) آغاز شده است، به گفتهٔ مقامات امنیتی و دفاعی کشور، بیش از ۸۰۰ موشک پرتاب گردیده و به کشته و زخمی شدن بیش از یکصد تن هموطنان ما منجر گردیده و صدها خانوادهٔ دیگر آواره و خسارات مالی به ایشان وارد آمده که مایهٔ نگرانی شهروندان کشور به خصوص باشندگان مناطق مرزی گردیده است.

آنچه مایهٔ نگرانی بیش از پیش مردم گردیده، متوجه رئیس حکومت است که موضعگیری اش در قبال چنین رویداد مهم روشن نیست و اظهار می دارد که، در واکنش به حملات راکتی پاکستان نیروهای امنیتی افغان هرگز(!) دست به حملات مشابه نخواهند زد. در حالی که مطابق مادهٔ ٦٤ قانون اساسی، قیادت اعلی قوای مسلح را عهده دار است. اما نیروهای امنیتی و دفاعی که هفتهٔ گذشته به مجلس نمایندگان خواسته شده بودند، این رویداد را تأیید و تقبیح کردند و خواهان حملات بالمثل شدند. مطابق فیصلهٔ بُن، مسؤولیت دفاع از سرحدات کشور به دوش نیروهای ائتلاف می باشد، اما این نیروها علاوه بر این که واکنشی در زمینه نشان نداده اند، در طول این مدت اظهار بی خبری کرده اند.

آقای کرزی در دیدارش با لوی درستیز پاکستان در کابل نگرانی خود را بیان نموده و خواهان توقف حملات راکتی از خاک آن کشور شده بود. در مقابل آقای اشفاق کیانی وعده داده بود موضوع را با مسؤولین ارشد وزارت دفاع افغانستان مورد بحث قرار داده و به زودی تحقیقات جدی را در زمینه عملی خواهد کرد. اما دو هفته از این تعهدها می گذرد، نتیجه که در توقف حملات به وجود آمده باشد، دیده نمی شود. گر چه مقامات پاکستانی از موضوع ابراز بی خبری نموده و اخیراً حملات را به گروه سومی نسبت داد ند.

از آن جاییکه مطابق قانون، دفاع از وطن وجیبهٔ تمام اتباع افغانستان است، مجلس نمایندگان در پیوند به حملات راکتی در ولایات جنوبی و شرقی کشور، شدیداً واکنش نشان داده و هفتهٔ پیش، با صدور اعلامیهٔ، از حکومت افغانستان، سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی خواستند تا جلو این حملات گرفته شود.

ما در حالیکه تهاجم به حریم کشور را از سوی هر دولت و گروهی که باشد به شدت تقبیح مینمایم دفاع از تمامیت ارضی، استقلال کشور و تأمین حقوق شهروندان کشور را وجیبهٔ خود می دانیم.

جمعیت اسلامی افغانستان با احترام به حقوق همسایگی، خواهان جنگ و خرابی مناسبات دو کشور نیست. اما از کشور پاکستان، نیروهای ائتلاف و حکومت افغانستان می خواهیم تا به موضع رسیدگی شود، عوامل و طرف های این راکت پراگنی ها شناساسی شود و بیش از این خون مردم بی گناه ما ریختانده نشود. کمیسیون مشترک صلح دو کشور نیز می توانند، در ختم جنگ و تیرگی مناسبات افغانستان و پاکستان اقدام نمایند. در شرایطی که گروه های تروریستی و القاعده و طالبان هر دو کشور را تهدید می کند، نشود که بیشتر از آن ملت ها و حکومت به جان هم بیافتند که بدون شک متضرر اصلی شهروندان این کشورها خواهند بود.

قسمت هفتم

تاریخچه جمعیت اسلامی افغانستان

قیام مسلحانه سال ۱۳٥٤

خاطراتی از محمد نسیم فقیری

در زمستان سال ۱۳۵۴ فردی از ننگرهار به لغمان آمد و از من خواست تا به یکی از مناطق ننگرهار بروم. عبدالغفور لالا (برادر بزرگ داکتر عبدالشکور) او را به من معرفی کرد. من در خانه از شرکت در مراسم ترحیم پدر یکی از هم صنفان در ولسوالی الینگار، یاد کردم تا غیرحاضری در مکتب را تبرئه کرده باشم.

شاید ماه دلو بوده باشد که صبح با آن برادر به جلال آباد رفتیم و از آن جا به یازیت خیل سرخرود. در منطقهٔ تقریباً دور افتاده، برادرانی را بعد از دوسال دیدم که اکثر شان ریش گذاشته بودند و تفنگ ها داشتند: فرد مشهور و از قبل شناخته شدهٔ آنان عنایت الله نام داشت که به نام عبدالله شهرت یافته بود.

عبدالله به من گفت که تعدادی از جوانان را برای آموزش نظامی خواسته ایم و از جمله از عبدالعظیم (از باغمرزای لغمان) نام گرفت.

عبدالعظیم در آغاز سال تعلیمی ۱۳۵۳(سنبله) ناپدید شد به ما گفته بودند که نظربه مشکلات خانوادگی و قهر از خانه بیرون شده و به جای نامعلوم رفته! این جواب مورد پسند من نبود ولی باید به دیگران گفته می شد... عبدالله گفت که پروگرام از بین بردن سران رژیم و همکاران نزدیک پرچمی و خلقی نظام داوود خانی را داریم و گوشهٔ یک کتاب نسبتاً بزرگ (کتابچه مانند) را نشان داد که نام احسان انتظار بر روی آن نوشته بود. گفته می شد که انتظار سرود ملی داوود خان را نوشته یا سروده است! عبدالله بعد از صرف غذا، بامن آمد و تا نزدیک دریا همراهی کرد و نام مستعار یا شفر را «یا الله» گذاشت و آن فرد تا جلال آباد مرا همراهی کرد و شام به لغمان رسید.

حمل سال ۱۳٥٤:

در سال نو، طبق معمول در لیسهٔ روشان مراسم تجلیل برگزار می شد و از سوی اداره یک نفر از معلمین لسیه به نام عثمان لندغر برای تهیهٔ پروگرام و انتخاب افراد معرفی شده بود.

عثمان لندغر معلم تاریخ ما بود. فرد معروف و شناخته شدهٔ خلقی ها بود. او بر خلاف سایر خلقی ها دارای روش ملایم بود و حداقل یکی دوبار این ملایمت از او دیده شده است.

او در زمان رژیم خلقی، مستوفی ننگرهار بود. در این رژیم که معلمین و متعلمین خلقی شاگردان و هم صنفان خود را تعذیب و شکنجه می کردند و حتی می کشتند... لندغر از عصمت الله (حاجی ذکریا) که هم صنف ما بود و در محبس ننگرهار زندانی بود و ده ها نفر از اثر شکنجه و یا پس از شکنجه شهید شده بودند. حکایت می کند که لندغر چند بار نزد او آمد و سعی می کرد شکنجه نشود و یک راهی برای رهایی پیدا کند. لندغر از جملهٔ متعلمین چهار نفر را انتخاب کرد که خلقی، پرچمی، شعله یی و من را از جملهٔ جوانان مسلمان تا مقالات خویش را به او بسپاریم. مقالهٔ من با بسم الله ... و یک آیت شریف آغاز یافته بود و تحول طبیعت را در فصول چهارگانه از حکمت های خداوندی دانسته بود... روز دیگر لندغر به صنف ما آمد و با اجازه از معلم، بنده را بیرون فرا خواند. در دهلیز، مقاله را به من نشان داد و گفت با این حرف ها مخالفت ندارم (بسم ا... و آیه اما سه نفر دیگر در تایید نظام جمهوری حرف ها نوشته اند و شما نیز باید حد اقل یک جمله را اضافه کنید...

در جواب گفتم که مقالهٔ من همین است و هرگز چیزی را اضافه نمی کنم... لندغر گفت من یک جمله را در اخیر اضافه می کنم که پاینده باد نظام جمهوری، ولی من آن را نپذیرفته ام ... یک روز قبل، حین خروج از مکتب، مدیر معارف را دیدم که با عجله و شتاب به من اشاره کرد و وقتی نزدیک رفتم با قهر گفت: خدا شما اخوانی ها را انصاف بدهد که از مواقع طلایی استفاده نمی کنید نظام را از داخل پوسیده و سرنگون نمی سازید.

درلیسه، مراسم افتتاح سال نو است و شما مثل همیشه باید مقاله بخوانید ولی مقالهٔ شما دیده نشد؟ در جواب گفتم که لندغر مقالهٔ مرا مسترد کرده است و از جیب خود مقاله را در آوردم و به او دادم همان بود که فردای آن، لندغر موضوع یک جمله را یاد کرد که باید اضافه شود...

مدیر معارف ما غلام دستگیر ملنگ نام داشت. او هم صنفی پدرم در دارالمعلمین اساسی کابل بود و از این رو همچنان مخالفت با رژیم با ما رابطه داشت و چند بار به خانهٔ ما آمده بود... او از طرفداران میوندوال بود و معلومات بسیار وسیع در مورد حال و گذشتهٔ کشور داشت... یک شب تفسیر شهید سید قطب را که استاد برهان الدین ربانی ترجمه کرده و" درسایه های قرآن " از طرف دانشکدهٔ شرعیات پوهنتون کابل نشر شد ه بود به او نشان دادم و او از برادران فکری ما در کندز (که قبلاً در آنجا مدیر بود) مانند شارقی و منیر وردک و دیگران یاد کرد...

روز کنفرانس فرا رسید و لندغر همهٔ پروگرام را از آغاز تا پایان در اول اعلام کرد.

من متیقین بودم که نام من در لست نیست ولی در جایی ایستاده بودم که مدیر معارف و والی می توانستند مرا ببینند... پس از یکی دو نفر، مدیر معارف من را به والی نشان داد و والی با اشاره تایید کرد و مدیر به روی ستیژ آمد و لندغر بدون اعلام خبر و خاموش کردن لودسپیکر کنار رفت و به من اشاره کرد و من مقاله را از جیب بیرون کرده و با صدای بلند (بسم ا...) گفتم و مقاله را خواندم. این مقاله در وقفه ها با صدای تایید و کف زدن های شاگردان و استادان همراه و استقبال می شد که اکثریت استادان و شاگردان را در لیسهٔ روشان و در جانبداری از ما نشان می داد.

این خاطرهٔ مهم و به یاد ماندنی بود که عکس العمل والی را پس از سپری کردن زندان در تابستان ۱۳۵۴ در پی داشت....

ادامه در شمارهٔ آینده

نخست وزیر بریتانیا با رئیس شورای عالی صلح ...

به سطح ملی، منطقه ای و بین المللی تلاش های زیادی را به خرچ داده است، امیدوار هستیم که مردم افغانستان شاهد صلح و ثبات در کشورشان باشند. رئیس شورای عالی صلح اضافه نمود که، اگر کشور های دوست در سطح منطقه و جهان در امر تأمین صلح تلاش عملی و دلسوزانه نمایند، یقیناً که در میان مخالفان علاقمندی به مذاکره و مصالحه وجود دارد.

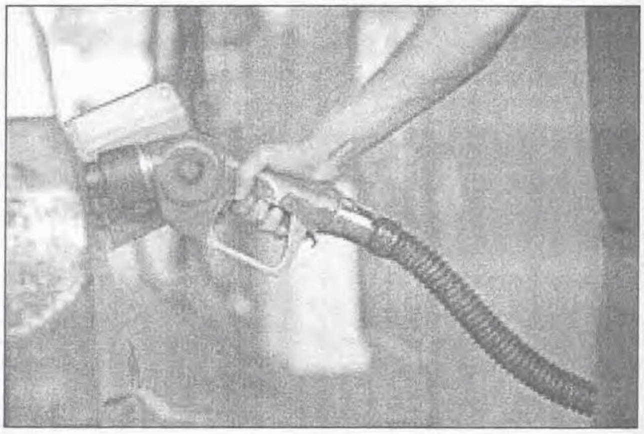
در این ملاقات استاد به کامرون گفت: با آن که با از بین بردن فرماندهان جهاد و مقاومت و تلاش ها برای بد امنی جزء سلسلهٔ برنامه ها، برای سبوتاژ کردن پروسهٔ مذاکره می باشد، ولی با آن هم روحیهٔ همکاری درسطح کشور ما را امیدوار می سازد که روزی در کشور صلح و امنیت تحکیم یابد. استاد از کشور بریتانیا و سایر کشور های مهم جهان خواست برای تأمین امنیت در افغانستان و تأمین صلح در این پروسهٔ ملی، افغانستان را یاری رسانند.

در مقابل دیوید کامرون صدراعظم بریتانیا ضمن اظهار خرسندی از ملاقات با رئیس شورای عالی صلح گفت که، کار های بسیار مؤثری که تا کنون توسط شورای عالی صلح انجام گردیده قابل تقدیر است. وی تصریح کرد: ما از تلاش های شما در شورای عالی صلح تقدیر می نماییم و بر همکاری های خود به افغانستان، متعهد هستیم.

کامرون گفت که بریتانیا با افغانستان تعهد دوستی و همکاری دوامدار خواهد داشت و کشورش در همکاری با آن از هیچ گونه تلاش دریغ نخواهد ورزید. در این ملاقات صدر اعظم بریتانیا گفت: مصالحهٔ ملی که از طریق افغان ها به پیش برده می شود، نقش بیشتر ایفا خواهد کرد و تأکید کرد که تأمین صلح به نفع افغانستان، پاکستان و بالاخره به نفع منطقه و جهان خواهد بود.

د تیلو د بیو لوړوالی، او د افغان دولت مسوولیت

رفیق پحر



پدې وروستیو کې په هیواد کې د ډیزلو او پترولو بیه له یوې ورځې څخه بلې ته په یوه غیر معمولي کچه روانه ده، لوړیږي؛ چې د هیوادوالو اندیښنې یې را اوچتې کړې دي.

که څه هم په بازار کې د افغانۍ د بیې له راټیټیدو سره د نفتي موادو بیه هم متاثره شوې او پورته ختلې ده: ځکه د نږدې دوه وو اونیو په دوران کې د ډالر په وړاندې افغانۍ دوه روپۍ ښکته شوې ده او په همدې کچه یې خپل وزن د نورو پولي واحدونو په وړاندې له لاسه ورکړی دی. خو د نفتي موادو نرخ بیا له دې کچې هم ډیر زیات لوړ شوی دی او دا مهال د یو لیتر پترولو او ډیزلو بیې بالترتیب یوشپیته او دوه شپیته افغانیو ته ختلې دي، چې په نړیوال بازار کې د نفتي مواد په بیه کې کوم زیاتوالی هم ندی راغلی خو په افغانستان کې د پترولو او ډیزلو بیې لوړې شوې دي. پداسې حال کې چې په پمپونو کې د یو لیتر پترولو او ډیزلو بیې دوه درې اونۍ وړاندې له پنځوس څخه تر درې پنځوسو پورې وې خو پدې څو ورځو کې په یو ناڅاپي توګه دغه بیې لوړې شویدی چې د هیواد د سوداګرۍ او صنایعو وزارت پاملرنه یې هم ځانته راړولې ده او له همدې امله د هیواد د سوداګرۍ او صنعت وزیر انوار الحق احدي د دوشنبې په ورځ د خپل وظیفوي مسوولیت له مخې افغان سوداګرو ته خبر ورکړ چې که چیرې دوی د سون موادو بیې او په ځانګړې توګه د پترولو او ډیزلو بیې راټیټې نکړی نو دولت به یې په اړه اقدام وکړي.

که څه هم نوموړی ویلي چې د دوی د محاسبې له مخې د یو لیتر پترولو او ډیزلو بیې د انصاف پر بنیاد ۵۶ او ۵۷ افغانۍ کیږي او ددغه بیو د ساتلو لپاره یې یوه کمیټه هم جوړه کړې ده څو د نفتي موادو پرچون پلورونکی (د تیلو پمپونه) د همدې بیې مطابق نرخونه وساتي او غوښتنه یې کړې ده چې ستر سوداګر له پرچون پلورونکو څخه پدې هکله ژمنې واخلي چې همدغه کچه او فورمول په پام کې وساتي.

خو تر کومه چې په نړیوالو بازارونو کې د نفتي مواد د نرخ مسئله ده نو په ګاونډي هیوادونو کې دغه بیې د تیر په پرتله ډیرې راټیټې شویدی خو په افغانستان کې بیا خبره عکس ده او د افغانۍ د بیې د ټیټیدو څو برابره د نفتي موادو بیې لوړې شوې دي.

چې ښایې بیا هغه حالت رامینځته کړي چې د افغانستان ګاونډي هیواد ایران د دولت لخوا د نفتي موادو په سوداګرۍ کې یو شمیر ستونزې راولاړې شوې وې او د نفتي موادو لارۍ یې افغانستان ته نه پریښودې چې راننوځي او لامله یې هغه مهال هم بیې ډیرې پورته ختلې وی او هم دې ته په ورته توګه د پاکستان دولت هم د افغان سوداګرو په وړاندې څه موده مخکې ستونزې راولاړې کړې وې چې بیا د افغان دولت د اړوندو مسوولینو لخوا د ایران او پاکستان هیوادونو سره د دوه اړخیزو تړونونو په نتیجه کې دغه ستونزې ختمې شوې خو د نفتي موادو په بیو کې هغه مهال هم لاړم ټیټوالی سوداګرو رامینځته نکړ؛ اوس چې د افغانۍ د بیې د نورو بهرنیو اسعارو په وړاندې یو نا مترقبه ټیټوالي راغلې دی نو سوداګر ورڅخه بیا ګټه پورته کړې او دسون موادو نرخونه یې لوړ کړي دي چې له هیوادوالو سره یې اندیښنې راولاړې کړیدي.

همدارنګه پدې هکله د عرضه او تقاضا د اصولو د تناسب د اړتیا له مخې اړینه ده چې د سوداګرۍ او مالیې وزارتونو هیواد ته په وارداتي اقلامو کې د نقلیه وسایلو په بې کچه ډیرښت هم فکر وکړي او پدې هکله لاړم تدابیر او شرایط رامینځته کړي ځکه دغه مهال هیواد ته په دومره کچه موټرې او نور نقلیه وسایل واردیږي چې د هیواد سړکونو او خلکو د اړتیا د حالت سره اړخ نه لګوي چې په طبیعي توګه دغه ډیرښت (چې د ډیرو ټیکسونو او مالیو) د لاسته راوړلو په منظور ورته لیارې هواریږي، د نفتي موادو د بیو په لوړوالي هم اغیز لري نو باید چې د اړوند وزارتونو مسوولین یوازې د ټیکسونو او مالیو د لاسته راوړلو لپاره هغه شرایط او تدابیر عملي نکړي چې د هیواد عام اقتصاد ته زیان رسوي او یوازې د دوی کلنی راپور غوښن کوي چې د ګمرکاتو له لیارې په عایداتو کې زیاتوالی وښایې څو د لویو لاړو د ګمرکاتو مسوولین بریالي څرګند شي او دولت یې په خپلو پالیسیو د بریالیتوب شخوند ووهي.

هرگاه همسایهٔ شرقی و دستگاه های...

استاد گفت: مشکلات زیادی هنوز دامنگیر این ملت است، نهضت های ملی در حالت بحران، خود را بی مسؤولیت احساس نمی کنند، بلکه در اوج بحران به خاطر نجات وطن دست به کار می شوند. استاد تصریح کرد که، ادارهٔ کنونی کشور در فقدان برنامه و فاقد یک تیم متحد و متعهدی که بتواند رسیدگی به تمام مسایل و قضایا نماید، به سر می برد. در چنین شرایطی، نیروهای ملی و احزاب سیاسی که توانایی کار را برای ادارهٔ کشور داشته باشند، مسؤولیت دارند تا در فردای این کشور مصدر خدمت شوند. به گفتهٔ استاد، جمعیت اسلامی افغانستان می تواند، از طریق برگزاری کنگرهٔ ملی و راه اندازی فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بحران ها را کنترل نماید.

رئیس شورای عالی صلح، راجع به موضوع صلح گفت: هرگاه همسایهٔ شرقی ما و برخی دستگاه های استخباراتی دست از حمایت گروه های شورشی بردارند، صلح و ثبات در منطقه حاکم می گردد. استادگفت: امروز جامعهٔ جهانی از ادامهٔ جنگ به دلیل هزینه های کمر شکن، تلفات انسانی در دو سوی مرز خسته شده اند و در سطح ملی و بین المللی داعیهٔ صلح طلبی به یک ضرورت جهانی تبدیل شده است.

استاد در بخش دیگری از سخنانش، سیاست های جمعیت را از روز های نخست تا به کنون، اعتدال گرایانه توصیف کرد و گفت، سیاست جمعیت با تمام گروه ها و همسایه ها همواره بر مبنای دوستی و برادری استوار بوده و هیچ گاهی قصد دشمنی را با هیچ طرف نداشته است.

استاد ربانی گفت، نسل جوان حضور شان در فعالیت های حزبی کمرنگ است، سعی شود برای تمام اقشار مردم به ویژه جوانان جایگاهی ویژه قائل گردیم.

در پایان همایش برخی از اعضای جمعیت پیشنهادات ویژهٔ خود را به منظور بهینه سازی فعالیت های حزبی برشمردند.

قابل یاد آوری است که این همایش در منزل آقای سیدحسن یک تن از اعضای سابقه دار جمعیت اسلامی تدویر یافته بود. سید حسن فرزند شهید جنرال سید احمد شاه یکتن از شهدای نخست جهاد برحق مردم مسلمان افغانستان می باشد. پدر آقای سید حسن از دوستان نزدیک مهندس حبیب الرحمن شهید بود و در زمان رژیم داوود خان همراه با صدها تن از اعضای نهضت اسلامی زندانی گردید و سپس به شهادت رسیدند. روح شان شاد و یادشان گرامی باد.

مباحثی پیرامون ادیان شناسی تطبیقی

سیری در ادیان رایج جهان

(سید احمد اشرفی)

فرقه های بزرگ بودایی

یک قرن پس از مرگ بودا، میان پیروان وی در مورد اصول و مبانی بودایی و فهم تعلیمات بودا، اختلاف نظرهایی پیدا شد. نخبگان و روحانیون بزرگ برای رفع اختلافات، شوراهایی تشکیل دادند، اما نتوانستند به توافقی دست یابند و سر انجام بودائیان به دو فرقه و یا دوشاخه بزرگ به نام های **مهایانا** یا **فرقهٔ شمالی** و **هینایانا** یا **فرقهٔ جنوبی** شدند.

۱- **مهایانا:** مهایانا یعنی چرخ بزرگ. این فرقه که در اکثریت بودند پس از بروز اختلاف، خود را چرخ بزرگ خواندند و فرقهٔ رقیب را تکفیر نموده هینایانا یا چرخ کوچک نامیدند. از آنجایی که فعالیت و دعوت فرقهٔ شمالی در شمال هند تمرکز داشت به نام فرقهٔ شمالی نیز شهرت پیداکرد. این فرقه آیین بودایی را از راه ابریشم به افغانستان و آسیای میانه و از آنجا به تبت و چین و سپس به جاپان و کوریا و تایوان رسانیدند. مکتب مهایانا، نو آوری ها و اضافاتی در تعالیم بودا وارد کرده است. در این مکتب بودا یک موجود اسطوره ای و الهی بوده تندیس های وی همچون سائر خدایان مورد پرستش و عبادت قرار می گیرد. به عقیدهٔ پیروان مهایانا، انسان نباید در غم نجات خویش باشد، بلکه باید راه نجات را به دیگران نیز نشان دهد. از این جهت آن ها در تبلیغ و ترویج مذهب خود بسیار کوشا و فعال بوده، کیش بودایی را در نقاط مختلف جهان به خصوص چین و جنوب شرق آسیا منتشر کردند.

یکی از روش های مراقبه و تأمل در مکتب مهایانا روش مراقبهٔ **ذن** است که در زبان چینی چانک و در لغت سنسکریت دهیانا گفته می شود، واز شهرت و نفوذ فراوانی در جهان برخوردار است. مراقبهٔ ذن، عبارت است از تخلیه ذهن و فرورفتن در یک حالت مراقبهٔ ژرف. این کار توسط فنونی مانند توجه کردن شخص به تنفس خویش انجام می گیرد. به زعم آن ها اگر شخص با رعایت سائر آداب، عمیقاً در این مراقبه فرو رود، به ادراک حقیقی واقعیت دست می یابد و در نتیجه، به روشن نگری نایل می گردد.

۲- **هینایانا:** نام اصلی این فرقه **ترووادا** یعنی آیین نیاکان است. لیکن از طرف گروه رقیب، هینایانا یعنی چرخ کوچک خوانده شد. این گروه را به خاطر این که بیشتر در جنوب هند فعال بوده، فرقهٔ جنوبی نیز می گویند. مکتب هینایانا بر خلاف مکتب قبلی به مبانی، تعالیم و توصیه های شخص بودا وفادار مانده، کمتر به نو آوری و اجتهاد و یا به تعبیر دقیق تر به تحریف و تبدیل اصول بودایی همت گماشته است. در این مذهب، بودا مقام خدایی ندارد، بلکه به عنوان یک انسانی که را نیروانا را به فرزندان آدم نشان داده سزاوار نیایش و در خور احترام و تقدیس است. هدف نهایی در این مکتب نیل به نجات و آزادی شخصی است، هرکس باید برای خود چراغی باشد، و هرکس می تواند خود را به نیروانا برساند. این به دلیل روش محافظه کارانه و سختگیرانه اش در جزایر سرلنکا و سیام و برما محصور مانده، گسترش وسیع پیدا نکرده است.

مولانا جامی و سه سیر نوری عشق

استاد حیدری و جودی



مولانا جامی شاعر و عارف والا مرتبتی است که با گواهی آثارش می توان عرفان او را (عرفان عشق) شمرد. و مشرب عرفانی اش را نقشبندی مطلب دیگری که قابل اظهار دیده می شود آن این است که یکی از عرفان شناسان به خاطر آنکه مولانا جامی شارح با قوت و سر سپرده آثار ابن عربی معروف به شیخ اکبر است او را در خط (معرفت حکمت) که در رأس آن ابن عربی حضور دارد به حساب آورده است.

در حالیکه نقشبندیان پاسداران مسلم (توحید شهودی) اند و ابن عربی و پیروان او به (توحید وجودی) گرایش عرفانی دارند. درین مورد بیش ازین جای صحبت نیست و بر می گردیم به موضوع اصلی اظهار باید کرد که عرفا در کلیت، عشق را سه گونه گفته اند: عشق ربانی، روحانی و طبیعی (انسانی) در حقیقت همان عشق ربّانی است که به اساس ظهور و بروز و ضعف و قوت آن به سه عنوان بالا عبارت شده است.

به معنی دیگر این اصل را باید بدانیم که در حقیقت امر عشق است که به مقتضای سرشت خویش متناسب در هستی عاشق و معشوق ظهور نوری می نماید، کمال و حکمت عشق در هستی عاشق و معشوق این است که قوّت های پسندیده یی که در وجود آنان بالقوه موجودند، بیدار و فعال می سازد تا این قوت ها که به لفظ قرآن (احسن التقویم) خوانده شده است از قابلیت به فعلیت آیند، آنگاهست که (عاشق و معشوق) یا (محب و محبوب) از تعینات خود رها می شوند. در همین جاست که طلسمات عاشقی و معشوقی می شکند و سیر بی آغاز و انجام عشق در عشق می ماند و بس.

اکنون توجه شما را بیافت و شناخت مولانا جامی معطوف می دارم که آن حضرت این سه مرحله را چگونه در ابیات زیرین عبارت کرده اند:

۱– روی عاشق نخست در خویش است
دل او را ز برای خود ریش است
دوست را چون به کام خود یابد
صید مقصود رام خود یابد
ور بود بر خلاف مقصودش
زان تغابن به سر رود دودش
این نه عشق است خویشتن داریست
به هوا و هوس گرفتاریست
هیچ عاشق هوا پسند مباد
به مرادات نفس بند عباد (۱)

آری این مرحله را که در ابیات بالا عبارت شده است نه تنها مولانا جامی بلکه همۀ عرفای کامل خامی و نا تمامی شمرده اند و می شمارند.

۲– سیر دوم، سیر دل عاشق به سوی معشوق است که با همۀ وجود در راه تحصیل رضای معشوق سیر می کند و مراد خود را در نا مرادی می بیند و می یابد و در همین مرحله است که عاشق از درد سر خود کامه گی و خود بینی نا پسندیده آزاد می شود و آرامش دیگر خواهی نصیبش می گردد، چنانکه جامی می فرماید:

عاشق صدق جو چو در یابد
ظلمت خود ز خود عنان تابد
روی دل آورد به قبلۀ دوست
نشود محتجب ز مغز به پوست
هر چه گوید برای او گوید
هرچه جوید برای او جوید
هم چو پروانه کو به مجلس جمع
هستی خود فدا کند بر شمع
بهر جانان فنا کند خود را
پیش رویش فدا کند خود را (۲)

۳– مولانا جامی در عنوان ابیاتی که نمای سفر سوم عشق عاشق است چنین بیان کرده است... چون عشق به مرتبه کمال رسد روی عاشق را از معشوق نیز بگرداند و در خود کند، پیش از آن که ابیات، مولانا جامی قرائت شود، اشاراتی در مورد لازم دیده می شود به این معنی که در حقیقت، عشق یکی از صفات خداوند است که در همۀ کائنات متجلی است، که تا حال هیچ عاشق عارفی یا عارف عاشقی نتوانسته و نمی تواند عشق را چنانکه هست تعریفی شامل و کامل یا جامع و مانع کرده باشد و یا بکند، در ارتباط به این اصل توجه شما را به این دقایق معطوف می دارم و آن اینکه نه تنها از نگاه نویسنده بلکه از نظرگاه عرفا نگرایان و عرفان شناسان با اعتبار جهان، سیر سالار قافلۀ عشق و عرفان، مولانا جلال الدین محمد بلخی را شناخته و عرفان او را عرفان عشق یا (عرفان عاشقانه) عبارت کرده اند و می کنند؛ و همین مولانای اکبر که بیش از هزاران هزار بیت در تعریف عشق دارد و محور نظام عرفانی اش عشق است عجز خود را از تعریف عشق بدینگونه بیان کرده است:

هرچه گویم عشق را شرح و بیان
چون به عشق آیم خجل باشم از آن
چون قلم اندر نوشتن می شتافت
چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت
چون قلم در وصف این حالت رسید
هم قلم بشکست و هم کاغذ درید (۳)

اکنون پی آن ابیاتی را می گیریم که مولانا جامی کمال عشق را در این ابیات بدینسان بیان کرده است، البته نظر به اشاره جامی این ابیات متکی به حدیث قدسی است و عرفا این مقام را (قرب نوافل) میگویند:

عشق عاشق چو سر کشد به کمال
شود از غیر عشق فارغبال
عشق را قبله گاه خود سازد
دل ز معشوق هم بپردازد
حب محبوب، حب حب گردد
آنچه لُب بود لُب لُب گردد
غیر حب کس نماندش محبوب
شود اندر شهود حب مغلوب
عشق او چون بدین حد انجامد
پا به دامن کشد بیا رامد
به گریبان جام در آرد سر
بندد از هرچه غیر عشق نظر
طالب این مقام بود نبی
که به حق در آوان حق طلبی
گفت کای چشم و گوش من همه تو
مایۀ عقل و هوش من همه تو
عشق خود را که غایت امل است
دولت لم یزال و لم یزل است
بر من خسته جان تشنه جگر
ساز محبوب تر ز سمع و بصر(۴)

همین مقام را مولانا جامی به اساس بینش عرفانی زیر عنوان (حکایت مجنون) در ابیات تمثیل بجا و رسایی کرده است و من بیتی چند از آن ابیات را می خوانم:

عشق مجنون بدین مقام رسید
از تک و پوی گفت و گوی رمید
داد بر خود ترانۀ نو ساز
عشق بازی به عشق کرد آغاز(۵)

چون مجنون که رمز عاشقی است گمشده یی را که در آیینه صورت لیلی می دید در آیینۀ دل خود بدید رسید، پای خود را از رفتن به کوی لیلی گرفت، چند روزی چشم لیلی از دیدن مجنون محروم ماند (آخر الامر هیچ چاره ندید) جز اینکه خودش تنپوش دلبری پوشید.

خرامانده تا بر مجنون
سایه افگند بر سر مجنون
بانگ زد کای ز عشق بر خوردار
سایه افگند وصل، سر بردار
گفت مجنونی کسی تو باز نمای
لب خاموش بشرح را زگشای
لیلی گفت:
منم آرام جام تو لیلی
قبله جاودان تو لیلی (۶)

مجنون به آدابی که عشق مقتضی آنست گفت: آن چنان از عشق تو پرم که شکل و صورت عاریت تو در من نگنجد آری:

چون رسد عاشق بخود کارش به معشوقی کشد
در گریبان زلیخا ماه کنعان بوده است (۷)

در آخر برنگ حسن ختام چند بیتی از نیایش مولانا جامی را که به روح مقاله ارتباط مسلم دارد می خوانم:

از فروغ جمال تو خوبان
بر تو خوبی تو محبوبان
جلوۀ حسن تو کجاست که نیست
جذبه عشق تو کراست که نیست
همه ذرات مست عشق تو اند
پای کوبان زدست عشق تو اند
حسن لیلی که راه مجنون زد
کامش از کوی عقل بیرون زد
یک به یک نشأ جمال تو بود
که در اطوار مختلف بنمود
من هم ای پادشاه گدای تو ام
هدف ناوک قضای تو ام
چه شود کز خدم خلاص دهی
جامی از باده های خاص دهی
بدر اهل درد را هم ده
به صف عاشقان پناهم ده
سر من خاک پای ایشان کن
حرز جانم دعای ایشان کن

یادداشت ها:

۱– هفت اورنگ– جامی، سلسلۀ الذهب، ص ۲۱۵، چاپ: کتابفروشی.
۲– هفت اورنگ– جامی، سلسلۀ الذهب، ص ۲۱۹، چاپ: کتابفروشی.
۳– مولانا جلال الدین محمد بلخی، مثنوی، چاپ رمضانی، ص ۲۲.
٤– هفت اورنگ– سلسلۀ الذهب، چاپ کتابفروشی سعدی ص ۲۲.
۵– هفت اورنگ– سلسلۀ الذهب، چاپ کتابفروشی سعدی، ص ۲۲۱.
٦– عشقری– از خال تا افلاک، چاپ مطابع دولتی، ص ۲۲۱.
جامی– هفت اورنگ– سلسله الذهب، چاپ کتابفروشی سعدی، ص ۲۲۳

صاحب نظران

شادروان استاد خلیلی

دوش در خدمت صاحبنظر دانایی
داشتم صحبت جان بخش روان افزایی

گفتمش چیست بگو راز سعادت گفتا
در دل تیره شبی گوهر ناپیدایی

گفتم این گوهر دانش چه بود گفت یکی
روشنا شمع ولی در کف نابینایی

گفتم این چرخ سیه فام چه باشد گفتا
دود آهی ز دل غمزده شیدایی

گفتمش چیست زمین گفت یکی گوی شگرف
که ز چوگان قضا دور خورد بر جایی

گفتم این اختر رخشنده چه جوید هر شام
گفت بر کوری ما خیره شده بینایی

گفتم این مردسیاست چه نهفته است به دل
گفت شاد است به مستوری خود رسوایی

گفتمش چیست بگو معنی آسایش ما
گفت لفظی که در وی نبود معنایی

گفتم این قافله را راه به جایی نرسد
بسپرد چند پی منزل نا پیدایی

گفت تا رهبر ما خود نبرد راه به دوست
چه رود از پی او رهبر و نابینایی

گفتم این دل چه بود گفت کنون در بر تو
کعبه صدق و یقین دستخوش اغوایی

گفتمش قصه فرماندهی و قدرت چیست
گفت نقشی است کش از آب بود مبنایی

گفتم از چیست بگو خامه به دست من غیر
گفت کلکی که به همه زشت کند زیبایی

گفتم از دهر کنون فتنه فرو می ریزد
جویم از فتنه آن من به کجا ملجایی

گفت رو خاک ره پیر مغان باش که نیست
از حریم در او خوبترت ماوایی

نامۀ سرگشاده به رئیس جمهور افغانستان:

«طرحی در مبارزه با فساد در افغانستان»

دکتور شمس الحق آریانفر









«جناب محترم رئیس صاحب جمهور افغانستان، آنچه را به عنوان «طرحی در مبارزه با فساد درافغانستان» ، خدمت شما عرضه می نمایم، از نهایت آسانی و سادگی ، شاید برای تان قابل قبول و جدی نباشد اما به قول حکمای یونانی دارویی است که در رفع مرض، یکی به یک و تک و پتره است. در پیوند با این مرض و درمان های موقتی تجویز شده، ناگزیر سخن را از یک روایت افسانوی آغاز نمایم:

می گویند در روزگاران پیشین، شخصی به چرس معتاد بود و یا عمل دیگری. اما از این عمل خود می شرمید، آرزو می کرد و می خواست از آن نجات پیدا کند؛ اما عادت بر او غالب بود و نمی توانست. روزی یکی از دوستانش گفت: برای این که عمل چرس از سرت گم شود، گاه گاه یگان سگرت دود کن. سگرت زیاد شرم آور هم نیست و از سوی دیگر سبب می گردد، که خمار چرس بر تو غلبه نکند. معتاد به هدایت دوست عمل کرد. چند روز گذشت، اما فایده نکرد. کسی دیگر گفت: درترک سگرت، نصوار معجزه می کند. آن مرد نصوار کشید. اما سودی نداشت.

دیگری گفت: اگر اندکی بَنگ دانه استفاده کنی، برای همیشه خمار چرس فراموشت می شود. این کار را هم کرد، که عبث بود. دوستی دیگر پیشنهاد چلم و تنباکو را نمود، یک کسی هم گفت: پیپ بسیار مفید است، از چلم و پیپ استفاده کرد که انهم فایده نداشت. نزد طبیب یونانی رفت، او داوری ترکیبی خود را تجویز کرد و هرکس یک چیزی را جانشین نشان داد. مرد بیچاره همه را امتحان کرد ولی هیچ کدام نتوانست باعث ترک چرس شود، اما درعوض آن مرد درکنار چرس، به سگرت و بنگ و چلم و پیپ و نصوار و.... نیز معتاد شد.

فساد در جامعۀ ما، به گونۀ همان اعتیاد چرس است که با تدابیر حکومت نه تنها رفع نشد که زمینه های دیگری برای فساد بیشتر، برآن افزود گردید. این فساد تا آنجا عام شده است که لطیفه یی ساخته اند در پیوند با رهبری کشور و مردم همه جا آن را نقل می کنند. می گویند: مردم یکی از ولایات نزد رئیس جمهور آمدند و از فساد بسیار والی ولایت خود شکایت کردند و درخواست نمودند که این شخص فاسد تبدیل شود. می گویند: رئیس جمهور در پاسخ درخواست انها گفت: چند می دهید که آنرا تبدیل نمایم. این نکته ارچند از سر شوخی است، اما به این معنی است که مردم باور دارند، فساد سر تا پای دولت را فرا گرفته است.

و باز در پیوند با فساد و چگونگی سیر ارتقایی آن، لطیفۀ دیگری ساخته اند و می گویند: درکشور ما نیز با وجود جنگ و خشونت در بعضی زمینه ها، سیر پیشرفت و ارتقا دیده می شود، نه این که همیشه درعقب گرد باشیم. مثلا توجه نمایید، در تاراج اموال دولتی که شکل دیگری از فساد است. مجاهدین آمدند و توسط افراد آنها از برخی دفاتر تیلیفون و تلویزیون و دینمو و برخی خورد و ریزه یی دیگر برده شد. بعد طالبان امدند. طالبان تمام موتر های دولتی، میز و چوکی و سیت های کوچ و حتی پول و مال شخصی مرد م را به نام بیت المال گرفتند و بردند. قسمی که دیگر از دفاتر دولتی جز دیوارهای سمنتی و مواد کاملا فاقد ارزش چیزی برجای نماند. اینک کسانی دیگری آمده اند که تعمیر دولتی و فابریکه و موسسه را از بیخ و بُن می فروشند، که خود می خرند و یا با خریدار فیصدی شریک اند و سهم شان به خارج انتقال پیدا می کند. در هر دوره مردم می گویند: خدا بیامرزد کفن کش قدیمه.

این نکات فقط به خاطر آگاهی شما بود که به یقین این نکات را به [illegible] در مورد فساد خود بیشتر از همه می دانید. معلوم است که برای رفع آن دلسوزانه توجه نموده اید.

کمیسیون مبارزه علیه ارتشا و فساد اداری ایجاد گردید، ستراتیژی عالی مبارزه با فساد اداری طرح شد، ادارۀ عالی نظارت برتطبیق استراتیژی عالی مبارزه با فساد اداری تشکیل گردید، سارنوالی جرایم فساد اداری و دادگاه عالی جرایم فساد اداری ساخته شد.

خود شاهد هستید که این ساختارها چیزی از میزان فساد نکاسته و برعکس سطح فساد را چند پلۀ دیگر افزایش داده است. دیگر به والی و وزیر ختم نمی شود و باید نهاد های تازه تاسیس نیز مورد توجه قرار گیرد و مبلغی صرف فساد در این ساختارها گردد. بنا بر این ساختارهای جدیدی باعث افزودی فساد گردیده است. از قدیم گفته اند: هرچه در کان نمک آید، نمک شود. هرقدر نهاد دیگر ساخته شود، همچنان دامنۀ فساد گسترده تر خواهد شد و بیداد آن برگرده مردم و کشور سنگینی خواهد کرد.

راه علاج در چیست؟ افغانستان از قدیم الایام اداره ای دارد در این زمینه به نام ادارۀ کنترول و تفتیش. در آن اداره شاید کسانی باشند که ۴۰ سال سابقۀ تفتیش دارند. وقتی افراد این اداره برای تفتیش به نهادی بروند به یقین سیر و پیاز آن را بیرون می کشند، فکر می کنم همان اداره به تنهایی کافی باشد برای ارزیابی و دیگر نیاز به این همه عرض و طول تشکیل نیست. اصل در این است که مجال برای ارزیابی باشد و از آن کار حمایت شود. از قدیم گفته اند: قصاب که بسیار شد گوسفند حرام می گردد.

طرح نجات از فساد اداری:

این طرح هیچ گونه مصرفی به همراه ندارد. اما تنها اجرایی کردن آن به صورت قطع ۵۰ درصد فساد را کاهش می دهد. طرح چنین است:

ادارۀ امنیت ملی را وظیفه دهید. در هر وزرات خانه و در هر ولایت یک یک صندوق را با مهر و لاک ریاست جمهوری نصب نماید و اعلان شود هر کس موارد فساد و خیانت بر بیت المال و بیداد بر حال ضعفا را می بیند، جریان مسایل را بنویسد و به این صندوق بیندازد. این کار چند مفیدیت را به همراه دارد.

– دست مفسدین از کنترول افشای فساد شان کوتاه می گردد.

– واقعیت مسایل، بدون معطلی به منبع دست اول می رسد و در آغاز مرحله کنترول می شود

– هیچ فسادی پنهان نمی ماند و بالاخره انسان وطندوستی مسئله را افشا می کند.

– این امر جدیت دولت را در تعقیب مجرمین و مفسدین، نشان می دهد.

– ۵۰ تا ۸۰ درصد مفسدین به این حساب که جریان مستقیما به شخص رئیس جمهور می رسد از فساد و خیانت و غصب دارایی عامه دست می کشند.

– دولت برای اولین بار متوجه می شود که چه جریان هایی در زیر ریشش در حال اجراست.

– اگر وزیری یا والی و قوماندانی خیانت کند، تا یک هفته شخص رئیس جمهور همه جریان را می داند و می تواند مستقیما بازپرس نماید و مانع شود.

– دیگر وزرا و والیان با طمطراق، از کارهای نکردۀ شان، نزد رئیس جمهور لاف نمی زند و همیشه در واهمه می باشند که مبادا، فلان کارشان افشا شده باشد.

دولت با ایجاد این صندوق ها، خوب است اعلان نماید هرکس خیانتی از بزرگان دید مستند بنویسد. درصورتی که واقعی باشد برایش جایزه هم داده می شود. مشخصات اش افشا نمی گردد و محفوظ است. حتی اگر بسیار می ترسد بدون ذکر نام بنویسد. هدف این است که فساد را دریابیم، مهم نیست که چه کسی برای ما می نویسد. زیرا ما بدون بررسی و عجولانه در زمینه اقدام نمی نماییم که بگوییم خواست اشخاص مغرض عملی می شود. صندوق ها را هفته وار ریاست امنیت جمع آوری و به ریاست جمهوری انتقال دهد.

دولت یک کمیسیون سه نفری را به شمول رئیس ادارۀ کنترول و تفتیش تعیین نماید تا صندوق ها را باز و مواد داخل آنرا ارزیابی و به شخص رئیس جمهور گزارش دهد. ضرور نیست که همه نوشته ها فورا قبول شود. شاید نوشته هایی از سر غرض باشد. اما دولت می تواند ادارۀ کنترول و تفتیش را موظف نماید تا موضوع را تحقیق کند و در مورد قاطعانه تصمیم گرفته شود. به این صورت هر صاحب مقامی متوجه می شود که آنچه می کند، فردا همچون کفِ دست در مقابل رئیس جمهور خواهد بود.

من یقین کامل دارم این برنامه که بدون یک افغانی مصرف و به صورت کاملا رایگان عملی می گردد، صرف اجرایی شدنش تا ۸۰ درصد فساد را تقلیل می دهد. اگر در چند مورد به گونۀ عملی اجراات شود، دیگر تخم فساد کنده می شود.

درشرایط حاضر، مردم می گویند: راستی ما می توانیم فساد را افشا کنیم و به مقامات بنویسیم اما واقعیت این است، وقتی در یک ولایت فساد می شود، بدون شک والی شریک است. مردم به چه کسی شکایت کنند. اگر به والی شکایت برند، به عوض تقدیر زندانی می شوند و با صد بلای دیگر گرفتار می گردند. همچنان است وضعیت در وزارت ها. اگر شخصی از یک ولایت و یا وزارت شکایت کند، هیچ مرجعی او را نمی شنود و بیانش را قبول نمی کند. اما اگر واقعیت ها به مقام اول کشور رسید آن وقت دیگر کسی مانع شده نمی تواند و رئیس جمهور شاید از آن زورمندان نترسد و پرسان نماید.

سخن دیگر این که، اگر امر اداره، ولایت و یا وزارت پاک و صادق باشد، مشکل فساد تا ۸۰ درصد حل می گردد. شخص رئیس جمهور در انتخاب افراد صالح و دلسوز و صادق و مسلمان واقعی توجه نماید.

دوستی حکایت می کند: یکی از مریدان و پیروان مولانا فیضانی، عالمی که در دورۀ داوود خان به اتهام کودتا زندانی شد و در ۷ ثور شهید گردید، خطاب به او در زندان دهمزنگ گفت: وقتی به نام کودتا زندانی شدید کاش کودتا می کردید. مولانا به آن مرد متوجه شد و خطاب به او گفت: در یک حکومت چند نفر به کار است. آن مرد سکوت داشت و مولانا گفت: برای ساختن کابینۀ یک حکومت به چند نفر نیاز است. آن مرد گفت: شاید حد اقل ۱۴ یا ۱۵ نفر ضرور باشد. مولانا گفت: خوب است ۱۴ مرد مسلمان واقعی پیداکن، کودتا می کنیم. راستی اگر توجه کنیم به همین تعداد مسلمان راستین به گونۀ مسلمانان صدر اسلام، دریک جامعه باشد، نیمۀ مشکل جامعه حل می گردد.

همه لاف مسلمانی زنند لیکن نمی دانم
مسلمانی به گفتار است یا کردار یا هردو

اگر آن عالم ۱۴ مرد مسلمان نیافت و کودتا نکرد، آیا رئیس جمهور افغانستان که قدرت را به دست گرفته است دارد؟ من فکر می کنم اگر این دولت ۵۰ انسانی که واقعا مسلمان باشد و یا ۵۰ مرد با وجدان و وصادق به وطن ومردم، برای وزارت ها و ولایت های کشور داشته باشد، به یقین ۵۰ تا ۸۰ درصد مشکلات فساد و بی عدالتی محو می گردد.

سخن دیگر این که من باور دارم در این جامعه، صدها مرد وارسته و دلسوز وجود دارد که وقتی مسوول باشند با وجدان و ناظر دانستن خدا عمل می کنند. همچنان اگر ضابطه و نظارت کامل و جدی وجود داشته باشد، فراوان افراد فاسد ناگزیر به راه راست کشیده می شوند.

به این اساس، تاسیس صندوق شکایات و یا صندوق نظارت مردم از مسوولان، تعیین افراد مسلمان، سالم و متخصص و با تقوا، و نظارت جدی از کار می تواند، زمینه های فساد را محدود و نابود کند.

پس چرا چنین نمی شود؟ این را شما می دانید، اما مردم می گویند: شما در زیر بار چند ناگزیری عمل می کنید:

– ناگزیر هستید خواست برخی از کشور ها را، در تقرر افراد در نظر بگیرید.

– ناگزیر هستید به احزاب جهادی به گونۀ غیر مستقیم، با درنظرداشت نزدیکی اش با شما سهم بدهید.

– ناگزیر هستید، قومیت ها را هم درنظر بگیرید و کرسی هایی را به آنان اختصاص دهید.

این ناگزیری ها نیز قابل حل است. اگر درشرایط خاص افغانستان مجبور هستید این ملاحظات را نظر داشته باشید، می توانید از آنها بخواهید خوب ترین و صادق ترین های شان را معرفی کنند. می توانند چندین تن را به یک پست معرفی کنند و شما بهترین را انتخاب کنید. درصورتی که موفق نبود بدون ملاحظه کنارش بزنید. از این رو ناگزیری های یاد شده، با آنکه دست و پاگیر است، نمی تواند کاملا مشکل آفرین باشد. اما دو اصل دیگر است که مشکل آفرین است و آن مستقیما به شما ارتباط دارد. می گویند، سیاسیون سابق، اطرافیان خود را یک دست مقرر نمی کردند، تا همه به او وابسته باشند و توسط یکی، نادرستی دیگری را دریابند و ناتوانایی های افراد برابش روشن گردد. اما عملکرد شما به گونۀ دیگر است:

– افراد اطراف شما، بیشتر یک دست است که همه خود را به شما صادق نشان می دهند. شاید هم چنین باشند، اما نقیصه در این است که به منافع خود نیز صادق اند و در آن مورد یک دست می باشند. مصداق همان مثل مردم اند که می گویند: مه توره ماما میگم و تو مره ماما بگو. این افراد هرغلطی از همدیگر ببینند می پوشانند و تمام ناتوانایی های همدیگر را به شما، قدرتمندی نشان می دهند. چون این گروه نیرومند می باشند، تک و توک افرادی که پراکنده در پست های خورد نگهداشته اید، از خود می ترسند و نمی خواهند با این گروه بزرگ مواجه شوند، بنا براین هرچه نادرستی را مشاهده کنند، نادیده می گیرند، زیرا می دانند که مشت و درفش برابر نیست و مقابله با انها سر را به سنگ کوبیدن است. کوشش کنید اطراف خود را با افراد واقعا صادق به وطن، کاردان و مجهز با فکر و اندیشۀ ملی، آراسته نمایید. همچنان این افراد از افکار و اندیشه ها و سلیقه های متفاوت باشد، تا باهم درجهت منافع خود کنار نیایند و شما درخلا باقی نمانید.

– سخن دیگر این که، از احزاب و اقوام دیگر همیشه ضعیف ترین ها را انتخاب می نمایید تا خوب فرمانبردار باشد. در حالی که از لحاظ مقام همه فرمانبردار شمایند و هرکسی را شما می توانید معزول کنید. بنا براین قوی ترین ها را انتخاب کنید که هم یار خوب به شما باشد و هم خدمتگزار خوب به وطن و مردم، تشویشی هم نیست اگر درست کار نکرد می توانید برکنارکنید. در مدیریت فاعدۀ است، میگویند:کارمند با ابتکار سرکش را، نسبت به کارمند بی ابتکار مطیع رجحان دهید.

این یادداشت ها برای درمان این ملت مظلوم و شجاع که در فقر و خواری و گدا منشی کشانیده شده و این سرزمین زخمین و خونچکان از سر صمیمیت نوشته شده، امیدوار هستم اگر نپذیرفتید، توجیه دیگری نداشته باشید. آرزومندم دوستان دیگر با نظریات خود این یادداشت را غنی ترسازند و به یک طرح راستین مبدل کنند.»

فضای مخنث داخلی،

دشمنانِ مردم افغانستان را جسورتر ساخته

نذرالله عنایت



در این روزها اوضاع کشور حال و هوایی ملتهب به خود گرفته است. باگذشت هر روز مردم افغانستان شاهد رخداد های جدیدی در عرصه های سیاسی، نظامی و اقتصادی مملکت هستند. کشمکش های قوه های ثلاثه، حملات راکتی پاکستان بر داخل قلمرو کشور و بحران کابل بانک، چاقی وضعیت بیمار را به نمایش گذاشته است.

با تأسف، بازیگران اصلی این میدان ها با فریب دادن افکار عمومی و راه اندازی نمایشنامه های خنده دار و در عین حال درد آور، منافع عموم مردم افغانستان را به سخریه گرفته اند. ادامهٔ راکت پراگنی ها در مرزی های شرقی کشور، بی برنامگی مسؤولان داخلی، قوت های بین المللی در قبال تجاوز آشکار حکومت پاکستان و بالآخره تنش در درون خانهٔ ملت، باز گوکنندهٔ پهلوهای این بازی های مهندسی شده به حساب می رود. در کُل روند موجود، بیانگر آن است که افغانستان در بدترین شرایط از تنش و مداخلهٔ طرف های ذی نفع قرار دارد.

در ادامهٔ این بازی ها که بستر اصلی آن جغرافیای افغانستان است، خواست و منافع قدرت های استکباری و ایادی منطقه ای شان بیشتر متصور است. روزگار می گذرد اما گذشت زمان و شاید هم ویکی لیکسی بیاید و ثابت نماید که نظام افغانستان به کدام دلیل بحرانی شد و پاکستان بر اساس کدام راهبرد و به اشارهٔ کدام کشور خارجی جسورانه طبل جنگ را نواخت.

افغانستان کشوری که در فقدان ابزار های نظامی و دیپلوماتیک قرار دارد، با گذشت هر روز در بحران داخلی و انزوای روحی قرار می گیرد.

وقتی رئیس جمهور می گوید، ما هرگز به سوی پاکستان فیر نمی کنیم، این گونه اظهارات بیانگر عدم اعتماد به نفس دولت مردان را نشان می دهد و یا اینکه دولتمردان افغانستان به قول یکی از وکلای پارلمان در یک قمار عاشقانه کشور را به پاکستان باخته اند.

وزیر خارجه می گوید: تلاش های دیپلوماتیک با پاکستان نتیجه نداده است، آیا دیگر گزینه ای در پیش رو نداریم که متوسل با آن شویم؟

از سوی دیگر قوت های داخلی در شرایطی قرار ندارد که در یک جنگ تمام عیار وارد کار و زار شوند. شاید هم آقای رئیس جمهور اظهارات چند سال پیش اش را که از روی احساسات بیان کرده بود فراموش کرده باشد که در خطاب به همسایهٔ شرقی گفته بود: گر ندانی غیرت افغانی ام = چون به میدان آمدی می دانیم.

اکنون آنان به میدان آمده اند و بیش از ۸۰۰ فیر راکت به خاک کشور پرتاب نموده اند که تلفات سنگین جانی و مالی را در پی داشته است. مردم افغانستان توقع دارند که شما نیز به میدان داخل شوید و از هر نوع امکانات دست داشته برای مهار نمودن حملات بیگانه استفاده نمایید. برخلاف وعده های روز های اول، وقتی در برابر تجاوز بیگانه سکوت می نمایید، جرئت دفاع و حتا شعر خواندن را ندارید، به این معنا است که طی ده سال گذشته برای تحکیم پایه های قدرت ملی کاری را انجام نداده اید.

درگیری در خانهٔ ملت: اعضای پارلمان افغانستان چندی پیش سوگند یاد نموده بودند که در برابر فشارهای حکومت ایستادگی می نمایند. اما با گذشت دوهفته در یک چرخ ۸۰ درجه ای به جان هم افتاده نمایشنامه ای را به اجرا گذاشتند. اگر از یک طرف این گونه برخورد های فزیکی را به قول آقای کرزی تمرین دموکراسی بدانیم، از سوی دیگر عقب ماندگی ذهنی، درماندگی و بی خبری برخی از وکلا را نسبت به وظایف اصلی نشان می دهد. اگر واقبینانه از جدال جاری میان قوه های سه گانه عبور نماییم، دیده می شود که در جریان بحث ها بر سر مسایل جاری هفتهٔ گذشته، نمایندگان مردم در یک امر طبعی دچار اختلاف نظر شدند که برخی آنان به طرفداری رئیس جمهور و برخی شان در تضاد به آن، گفتگوها را ادامه دادند.

در جریان این بحث ها دو تا خانم یکی به طرف داری شخص اول مملکت و دومی به طرفداری معاون وی به درگیری فزیکی پرداختند. بوتل جنگی ها در این نبرد به بوت جنگی ارتقا یافت و بیم آن می رود که درآینده، به تفنگ جنگی نیز تبدیل شود.

در تحلیل این گونه واکنش ها به این نتیجه دست می یابیم که برخی از نمایندگان مردم، چقدر گرفتار عقب ماندگی ذهنی، شخصیتی، سلیقه ای و گروهی هستند. رفتار کوچهٔ آنان مایهٔ شرمساری برای خودشان و رنج آور به توده ها وآنانی که به قضایا عقلانی فکر می کنند، می باشد.

دور شانزدهم ولسی جرگهٔ افغانستان که از سوی حکومت با اتهام تقلب به منظور بی خاصیت ساختن این مجلس، همراه بود، ولسی جرگه از همان روز های نخست با پرسش ها و فشارهای داخلی روبرو گردید. جنگ زرگری و یا کشتی نرم میان قوه های ثلاثه شروع شد و با تأسیس دادگاه ویژه این روند ادامه یافت.

بعد از این که این دادگاه قرار نهایی خود را در دوم سرطان سال روان مبنی بر حذف ۶۲ تن از وکلای برحال صادر نمود، رویا رویی قوه های سه گانهٔ کشور به اوج خود رسید. مجلس نمایندگان در جلسهٔ علنی خود ضمن این که فیصله دادگاه ویژه را غیر قانونی خواندند، در چندین اقدام جداگانه مبنی بر سلب اعتماد نهادهای عدلی و قضایی و وارد نمودن فشار بالای حکومت در قضایای مرتبط به موضوع، امنیت و حملات راکتی پاکستان بازی چند ضلعی را ادامه دادند.

از سوی دیگر در تمام این موارد قوهٔ مجریهٔ افغانستان خواست نمایندگان را نا دیده گرفت و با بی اعتنایی از کنار این همه موارد با سکوت جواب داد و به سیاست های راهبردی خود در قبال ولسی جرگه ادامه داد.

مسلماً وقتی حاکمیت در کشوری به دنبال بحران آفرینی و ایجاد فضای مخنث باشد و به اصل وظایف خود عمل نکند، نهادهای دیگر نیز می توانند با چانه زنی ها و جوسازی، بخشی از بحران به شمار

فقیری

جمعیت اسلامی و خواهران

همه می دانیم که هزاران تن از خواهران مسلمان کشور ما از روزهای نخست و بنیادین تاسیس جمعیت، صفوف مرصوص را تشکیل داده و یا به حیث عضوی از خانواده های مجاهد در راه ادای فریضهٔ جهاد، قربانی در راه خدا، و آزادی کشور از چنگ جباران و متجاوزین خارجی، قربانی ها داده اند.

این خواهران که به دلیل شرایط بستهٔ جامعهٔ افغانی اکثر شان نخواسته اند تا نام های شان ثبت اوراق زرین تاریخ جهاد گردد، به حیث خواهر، همسر، مادر و یا دختر مردان بزرگ مجاهد، مصدر خدمات ارزنده در سال های جهاد و مقاومت گردیده و شاهکارهای بزرگ آنان، پیوسته ناشنیده و ناخوانده مانده، نسل های دیروز و امروز از آن اگاهی درست و عمیق ندارند. پس بر همه خواهران مسلمان و با احساس است که هر چه زودتر به جمع خواهران جمعیت بپیوندند و راه مبارزه را مطابق نیاز زمان، بیشتر از پیش و در صفوف منظم ادامه دهند.

امروز هویت و تشخیص افراد بستگی به فکر سیاسی و معنوی دارد و باید مانند تذکرهٔ تابعیت جزء شخصیت افراد باشد و همه خواهران و برادران که دارای همفکری کامل با مرام جمعیت اسلامی اند، مانند سایرین در امر دفاع از مرام و حاکمیت دین الهی، اصلاح فرد و خانواده، امر به معروف و نهی از منکر پیشگام و پیش قدم باشند و راه پر افتخار پدران، برادران و همسران خویش را با عزم و ارادهٔ مهم، ادامه دهند. یقین کامل داشته باشند که تلاش و مبارزهٔ شان در راه خدا به حساب خواهد رفت و در دنیا و آخرت مستحق اجر و پاداش بزرگ خواهند شد.

در دنیای امروز و در هیاهوی دموکراسی، تمام اندیشه های منحرف و غلط به حرکت آمده و اکثر شان در قسمت پیاده شدن اهداف سوء دشمنان این وطن، خدمت می نمایند و ما نیز با استفادهٔ درست از معنی و مفهوم دموکراسی واقعی در جهت پخش و نشر مرام خویش قدم برداریم و تمام راه های خلاف اراده و مرام مردم ما که اکثریت قاطع شان را مسلمانان تشکیل می دهد، قاطعانه اقدام نماییم. این حق قانونی ماست و وظیفه داریم تا طبق قانون اساسی کشور از حقوق مسلم خویش که قانون حافظ آن است، با جرئت و دلیری دفاع نماییم و در شرایط مسالمت آمیز و بحث ها و گفتگو ها از آن دفاع نماییم.

دفاع از زن و حیثیت معنوی و اخلاقی آن از اهم وظایف مسلمانان است. هر مسلمان وظیفه دارد تا از حقوق زنان دفاع نماید و نگذارد که زن بازیچهٔ افراد مغرض و سودجو واقع شود و در معرض اعلانات تجارتی قرار گیرد.

زن باید دارای شخصیت ممتاز و برجسته باشد و فکر او در ساختن خانواده، جامعه و دولت مدنظر قرار گیرد.

زن معمار جامعه است و اولین پرورشگاه کودکان نسل های بشری نخست در دامان زنان تربیت می یابند و درس اخلاق، تربیه و احترام به دیگران را در آن می آموزند...

خواهران جمعیت وظیفه دارند تا فکر درست، اصلاحی و جامعه ساز را در خانواده، جامعه و کشور خویش عملی نمایند و در راه پرقدرت و معنوی امر به معروف و نهی از منکر پیشقدم باشند، راه درست تاریخ ساز زنان پیشگام تاریخ بشریت راهنمای آنان است و این خواهران می توانند که امروز و فردای کشور را به راه درست رهبری نمایند.

سفر صدراعظمان بریتانیا و کانادا به افغانستان

ادامه از صفحهٔ اول

انگلستان در افغانستان حدود ده هزار سرباز دارد که بعد از ایالات متحدهٔ امریکا دومین نیروی مستقر در این کشور است. تاکنون ۳۲۳ سرباز بریتانیائی در افغانستان کشته شده اند. قرار است سربازان انگلیسی نیز تا سال ۲۰۱۴ از افغانستان خارج شوند.

سربازان انگلیسی در طول چندسال حضور خویش در ولایت هلمند با چالش های فراوانی مواجه شدند. حضور آنها موجب شد تا کشت خشخاش در این ولایت تمام ریکارد های گذشته را بشکند و نیز واگذاری ولسوالی موسی قلعه به طالبان که به قول انگلیس ها به میانه رو های این گروه سپرده شد، موجب اختلاف میان حکومت افغانستان و نیروهای انگلیسی مستقر در افغانستان گردید.

انگلیسی ها در ولایت هلمند ماموریت جنگی را با مذاکرات مخفی با طالبان درآمیختند تا اینکه سرانجام دولت افغانستان "مایکل سمپل" و "ماروین" دو تن از اتباع این کشور را از افغانستان اخراج نمودند.

دیوید کامرون در کنفرانس مطبوعاتی با حامدکرزی از تعهد کمک کشورش بعد از سال ۲۰۱۴ به افغانستان اطمینان داد. وی خطاب به طالبان گفت که سلاح بر زمین بگذرانند و از جنگ و کشتار و انفجار بمب دست بردارند. آنها باید به پروسهٔ سیاسی بپیوندند و بخشی از نظام سیاسی آینده در این کشور گردند. کامرون ضمن اعلام کمک مالی در طی سال آینده به افغانستان، از به میان آمدن یک اکادیمی نظامی در افغانستان برای آموزش اردوی افغان خبر داد. قرار است بریتانیا نیز از امسال کاهش نیروهایش را از افغانستان آغاز نموده و تا سال ۲۰۱۴ تمام نیروهای رزمی این کشور خاک افغانستان را ترک کنند.

دیوید کامرون در این سفر با استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح نیز ملاقات نمود. در این ملاقات استاد ربانی در مورد چالش ها فراراه پروسهٔ صلح در کشور سخن گفت و ابراز امیدواری نمود که علی الرغم موانع موجود، سرانجام راه مذاکره به عنوان یگانه راه رسیدن به صلح و ثبات در افغانستان به سرمنزل خواهد رسید.





در مقابل دیوید کامرون صدراعظم بریتانیا در این ملاقات ضمن اظهار خرسندی از ملاقات با رئیس شورای عالی صلح گفت که کار های بسیار مؤثری که تا کنون توسط شورای عالی صلح انجام گردیده قابل تقدیر است.

کامرون گفت، ما از تلاش های شما در شورای عالی صلح تقدیر می نمائیم و بر همکاری های خود به افغانستان، متعهد هستیم و در عرصه های انکشافی، سیاسی و امنیتی همکاری دوامدار خواهیم داشت.

کامرون پروسهٔ صلح را یک پروسهٔ ملی و در عین حال دوامدار و پیچیده خوانده گفت که کشورش در همکاری با آن از هیچ گونه تلاش دریغ نخواهد ورزید و بریتانیا نقش خود را در همکاری به افغانستان و پروسهٔ صلح و مصالحهٔ ملی که از طریق افغان ها به پیش برده می شود بیشتر ایفا خواهد کرد و تاکید کرد که تامین صلح به نفع افغانستان، پاکستان و بالاخره به نفع منطقه و جهان خواهد بود.

قبل از دیوید کامرون، استفن هارپر صدراعظم کانادا نیز طی یک سفر از قبل اعلام ناشده روز دهم جوزا وارد افغانستان شد. وی باسربازان کشورش دیدار نمود و از فداکاریهای آنان تقدیر به عمل آورد. وی در این سفر از پایگاه نیروهای کشورش در قندهار دیدن نمود و بخشی از قرارگاه های عملیاتی و پوسته های امنیتی در مناطق غرب افغانستان را با هلیکوپتر از هوا تماشا نمود.

هارپر در این سفر آغاز خروج نیروهای کشورش از افغانستان را هم که قرار است به زودی آغاز گردد اعلام نمود. کانادا در افغانستان ۲۳۰۰ سرباز دارد و از زمان استقرار این نیروها در افغانستان تاکنون ۱۵۵ نظامی کانادائی در افغانستان کشته شده اند.

در اعلامیه ای که از طرف دفتر صدراعظم در اوتاوا به نشر رسید از وی نقل قول شده است که افغانستان از بعد جغرافیای استراتژیک دیگر یک منبع تروریسم جهانی نیست. اما در عین حال شبکهٔ تلویزیونی کانادا از هارپر نقل قول کرد که " بعضی ها ممکن است فکر کنند که با توجه به تمام فداکاری های ما و انتشار خبر مرگ اسامه بن لادن، تهدید تروریسم از بین رفته است. متاسفانه این وهم و خیالی بیش نیست. ما نمی توانیم وانمود کنیم که تروریسم جهان و ملت ما را تهدید نمی کند.

این گونه سخنان ضد و نقیض به روشنی نمایانگر سردرگمی خارجی ها در مسایل افغانستان است. در حالی که تهدید تروریسم به حال خود باقیست اما افغانستان دیگر منبع تروریسم نیست! پس آنهائی که ۱۵۵ نظامی کانادائی را در افغانستان کشتند کی ها بودند؟!

در آستانهٔ خروج نیروهای خارجی از افغانستان، باید سیاستمداران این کشور ها بگویند که تروریسم در افغانستان نابود شده است. اگر بگویند که تروریسم در افغانستان شکست نخورده است، مردم شان خواهند پرسید که شما در این چند سال در افغانستان چی می کردید؟!

ثبت دارایی های شخصی رده های...

تشریفات خاص آغاز می شود و با یک صدای غیر مشموع به پایان می رسد، آنچه که در یک حاکمیت به وجود می آید، باید دارای دستآورد و نتیجه بوده باشد. همه چیز در مدار تخیل، فریب و بی باوری درآمده است. پیش از اینکه کارمندان جدید به کار خود آغاز کنند، باید اداره های آنها درست و حسابی مورد بررسی قرار گرفته شود و منابع آن نیز روشن گردد و در ختم کار این کارمندان ارشد، مکلف اند که میزان دارایی های خود را نیز به طور مشخص در اختیار این حاکمیت قرار دهند.

پیش از اینکه مبارزه با فساد را آغاز کرُد، باید در خود فرو رفت و برای مردم اعتماد پیدا نمود. نمی توان عقده های سر کوفته مردم را با یک چنین حرکات از میان برداشت. ثبت و دارایی افراد بالای حکومت یک حرکت بجا و قانونی است، باید در چارچوب قانون این کار انجام پذیرد و دارایی های کارمندان همواره تحت نظر و دوربین دستگاه های سارنوالی و محکمه قرار داشته باشد.

هر قدر در چارچوب حاکمیت انسان های سالم به کار پذیرفته شوند، به همان تناسب می تواند این حاکمیت قانونی ترعمل نماید. باید افزارهای مبارزه را ایجاد کرد و در آن چارچوب به کار و فعالیت پرداخت. نه تنها حرکات فرمایشی در این راستا کارساز نخواهد بود، بلکه بحران و بی اعتمادی بیشتررا به وجود خواهد آورد.

د افغانستان او پاکستان...

ته له سیمي څخه د لیدني پر مهال دا ډاډ ورکړای شوی وو چي له خپلي خاوري څخه به په ټینګه دفاع کوي او هم د دفاع وزیر عبدالرحیم وردګ ولسي جرګي ته د خپلو څرګندونو پر مهال ویلي وو چي: که د هیواد د مشرتابه لخوا اجازه ورکړای شي نو حاضر دي چي د پاکستان راکټ ته په راکټ او هاوان ته په هاوان سره ځواب ووایي.

د ملي دفاع د وزیر لخوا دا څرګندوني په داسي حال کي کیږي چي د ځینو راپورونو له مخي د افغانستان سرحدي ځواکونو د تیري دوشنبي په ورځ پر شمالي وزیرستان څلور توغندي ورولي وو چي لامله یي څلور پاکستانیان ژوبل شوي وو. او هم بلي خوا ته د پاکستان صدر اعظم یوسف رضا ګیلاني ادعاء کوي چي تیره ورځ د افغانستان له خاوري څخه د سلو په شاوخوا کي وسله وال کسان د پاکستان د باجوړ او دیر سیمو ته وراوښتي دي او په دغو سیمو کي یي ګڼ شمیر ملکي او امنیتي وګړي وژلي دي چي له همدي امله ګیلاني له افغان ولسمشر کرزي سره په یوه تیلفوني مرکه کي پدي هکله اندیښنه څرګنده کړي او ویلي یي دي چي ددغو حملو په نتیجه کي د دوارو خواو پر یو بل باندي بي باوري منځ ته راځي. او د افغانستان دولتي مسوولین بیا د پاکستاني پوځ لخوا د ترسره شوو بریدونو په وړاندي لاتر اوسه د ځواب نه ویلو د دریځ په هکله لامل د ولسمشر کرزي اجازه نه ورکول په ګوته کوي چي دغه دریځ یي هم د ډیرو سیاسي کړیو د پوښتني لاندي دی چي ولسمشر کرزي ولي تر اوسه د ځوابي عمل اجازه نه ورکوي؟ او پدي هکله له صبر او زغم څخه کار اخلي!!

او د یو شمیر حکومتي کړیو له څرګندونو څخه داسي بریښي چي دوی لاتر اوسه پدي هکله په پوره ډاډ سره نه شي ویلای چي دغه حملي له کومه ځایه ترسره کیږي؟ او ورڅخه مقصد څه شی دی! ځکه یي په اړه په عجولانه توګه ځواب نه ورکوي نو پوښتنه داده چي آخر دغه حملي د چا په اشاره او له کوم لوري څخه ترسره کیږي؟ چي د پاکستان دولت او پوځي چارواکي یي په هکله همدومره وایي چي: کیدای شي هغه توغندي چي دوي د خپلو طالبانو په مرکزونو ورووي د افغانستان لوري ته اوښتي وي! نو آیا د شپږ سوه وو په شاوخوا کي توغندي د بل هیواد په خاوره کي په خطا سره لګیدای شي؟ او د افغانستان لخوا د پرله پسي تیوکو او د موضوع په اړوند د ملګرو ملتونو د امنیت شورا ته د خبری رسولو سره سره هم دوي خپل دښمن په همدي لوري تعقیبوي او توغندي یي اوس هم د افغانستان په قلمرو کي لګیږي.

او دا چي د پاکستان صدر اعظم هم په باجوړ او د دیر په سیمو کي د وسله والو د ور اوښتو ادعاء کوي او انګیرنه کوي چي د افغانستان له خاوري څخه ور اوښتي دي (پداسي حال کي چي د افغانستان دولت پخپله د توغندیو له بریدونو شکایت کوي) خو یو لوری هم په زغرده ددغو بریدونو ځایونه نشي په ګوته کولای او خبره په شف شف تیروي، داسي بریښي چي د سیمي په دوارو خواو کي کوم بل قوت موجود دی او هغه دوارو لوریو ته دغه غوندسکي وروي.

همدارنګه د بریدونو دغه نانندری پداسي وخت کي را اوچتیدل چي له یوي خوا د افغانستان دننه اجرائیه، مقننه او قضائیه دریګوني قواوي په خپلمنځي نانندریو کي بوختي دي او له بلي خوا د امریکا سره د افغان دولت لخوا د دایمي هډو د ورکولو موضوع او دایمی همکاری استراتیژي د بحث او غور لاندي ده چي لپاره یي یوه داسي جرګه راغښتلی کیږي چي د هیواد په اساسي قانون کي ځای هم نلري، بلکه د کاسي لاندي نیم کاسه څرګندوي چي له افغانانو څخه په بنده کوټه روانولو کي د دریځ نیول غوښتلی کیږي څو د امریکا غوښتنو ته د مجبوریت له مخي ځواب ووایي او هغه څه چي امریکا یي غواړي پری په سختو شرایطو کي ومني.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ چهاردهم ۱۸ سرطان ۱۳۹۰ ۷ شعبان المعظم ۱۴۳۲ – 9 July 2011

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

شفیق

د افغانستان او پاکستان پر یو بل د بریدونو ناندری

لـه نـږدې یـوې میاشـتې راهیسـې د کنـړ، ننگرهـار، پکتیـا او خوسـت ولایتونـو پـه ځینـو ولسـوالیو بانـدې د پاکسـتان هیـواد لـه خـوا د بریـدونو پـه خـواب کـې تیـره اونـۍ د افغانسـتان د ملـي دفـاع وزارت د ویانـد((ظـاهر عظیمـي)) د څرگنـدونو لـه مخـې د افغانسـتان د دفـاع وزارت هـم د لـومړي ځـل لپـاره ځـوابي عمـل ترسـره کـړ؛ ظـاهر عظیمـي چې پـه کابـل کـې یـې خبریـالانو تـه پـه یـوه مطبوعـاتي غونډه کـې پـدې هکلـه څرگنـدوني کـولې، وویـل چـې: پـه تیـرو دریـو اونیـو کـې د پاکسـتان لـه خـاورې څخـه د افغانسـتان د ختیځـو ولایتونـو پـه ځینـو سیمو بانـدې د پرلـه پسـې هغـو بریـدونو پـه ځـواب کـې مـو دغـه عمـل ترسـره کـړ چـې پـه نتیجـه کـې یـې د اتیـاوو پـه شـاوخوا کـې ځمـونږ هیوادوالو ته مرگ ژوبله اوښتې وه.

د افغانسـتان د ملـي دفـاع وزارت د ویانـد وروسـتۍ څرگنـدوني پداسـې حالـ کـې رامینځتـه شـوي چـې د پاکسـتان هیـواد لاتراوسـه هـم دا نـده منلـې چـې ځواکونـو یـې د افغانسـتان لـورې تـه توغنـدي ویشـلي دي او د افغانسـتان د دولتـي مقامـاتو د پرلـه پسـې ادعاگـانو پـه ځـواب کـې د پاکسـتان پـوځ یـو ویانـد پـه وروسـتیو کـې ویلـې وو چـې کیـداې شـي دغـه توغنـدي هغـه وخـت د افغانسـتان پـه خـاوره کـې لگیـدلي وی چـې کلـه ددوې پوځونـو د طالبـانو پـه ځـایونو ورولـي وو؛ پداسـې حالـ کـې چـې د تیـرې اونـۍ پـورې د کنـړ ولایـت پـه سـرکانو، شـیگل، دانگـام، نـاړي او مـروري پـه ولسـوالیو او هـم د ننگرهـار پـه گوشـتي ولسـوالۍ بانـدې د شپږسـوو پـه شـاوخوا کـې توغنـدي وروليـ شـوي وو او د تیـرې اونـۍ پـه دوران کـې د جمعـې پـه ورځ دري څلویښت نـور توغنـدي د ننگرهـار پـه گوشـتې ولسـوالۍ د پاکسـتاني پوځیـانو لخـوا وروليـ شـوي دي. او هـم دغـه لـړۍ د کنـړ او ننگرهـار سربیره تیـره اونـۍ د خوسـت او پکتیـا پـه ولایتونـو کـې هـم رامینځتـه شـوه چـې پـدې تولـو کـې د رسنیو لـه مخـې زمـونږ څـه د پاسـه شـل تنـه هیوادوالـ ددغـو بریـدونو پـه نتیجـه کـې شـهیدان شـوي وو او پـه سلگونو هیوادوالـ مـو ددغـو بریـدونو لاملـه لـه خپلـو ځـایونو څخـه بې ځایـه شـوي او پـه کـډو اخسـتلو مجبـور شـوي دي چـې لاملـه یـې پـه کابـل او جلالـ آبـاد کـې د خلکـو لخـوا مظـاهرې هـم وشـوې او لـه افغـان دولـت څخـه یـې د ځـوابي عمـل غوښـتنه وکـړه چـې لـه دې څخـه مخکـې هـم پخپلـه د افغانسـتان د بهرنیـو چـارو وزارت لخـوا او هـم د دفـاع وزارت لخـوا د اندیښـنو او اخطـاریو څرگنـدوني او د افغانسـتان (د پوښـتني لانـدې ولسـي جرگـې) لخـوا یـې هـم پـه کلکـو الفـاظو سـره غندنـه او لـه دولـت څخـه د ځـوابي عمـل ترسـره کولـو غوښـتنه شـوې وه. دا پداسـې حالـ کـې ده چـې د ننگرهـار پـه ولایـت کـې د سـرحدي قـواوو قومانـدان د افغانسـتان د دولـت لخـوا د ځواب پـه نـه ورکولـو بانـدې د اعتـراض پـه توگـه لـه خپلـې دندې څخـه تیـره اونـۍ استعفاء هـم ورکـړې وه او هـم د ننگرهـار او کنـړ ولایتونـو ولسـي مشرانو لخوا، د ملی شورا یوې جرگې ۷مخ

۷مخ

عبدالعلی کوهی

ثبت دارایی های شخصی رده های بالای حکومت

بعـد از اداره هـای موقـت همـواره اداره هـای مـشابه را یـادی بـه هدف بررسی، تحقیـق و مبـارزه بـا فـساد اداری در کـشور بـه وجـود آمده اسـت کـه اهـداف آنهـا کـشف جـرایم، اخـتلاس و دزدی هـای کارمنـدان در رشـد حکومـت بـوده اسـت. در یـک چنـین اداره هـایی که یکی پی دیگـری بـه وجـود آمـده و تعـویض شـده اسـت، دسـت آورد به خصوصی وجـود نداشـته اسـت. پـیش ازاینکـه ایـن اداره هـا کارهـای محـسوس و عملـی از خـود نـشان داده باشـند، بـه یـک بحـث سیاسـی تبـدیل گردیـده اسـت. گویـا دولـت مـی خواهـد بـا ایجاد چنین اداره هایی در برابـر مـردم و رسـانه هـا خـود را مـسوول مبارزه با حوادث و جریان منفی زندگی نشان دهد.

قانون اساسی کشور یـک چنـین حـق را بـه مـردم در نظـر گرفتـه اسـت، تـا در مواقـع لازم اداره هـایی نظـر بـه ضـرورت در چوکـات لوی سارنوالی و ستره محکمـه و یـا بـه طـور مـستقل ایجـاد نمایـد. از سـال هـای چنـدی بدینـسو موضـوع اخـتلاس و سـوء اسـتفاده های حلقات رده هـای بـالای حکومـت مـورد بحـث بـوده و همـواره خبـر سـاز بـوده اسـت. روزهـای محاکمـهٔ اعـضای کابینـهٔ اسـبق و کنونی که متهم بـه سـوء اسـتفاده از قـدرت مـی باشـند، سـر زبانهـا قـرار داشـت و از مـدتی ایـن صـدا هـا بـه خاموشـی گراییـد، نـه محکمـه یـی در چـارچوب دولـت بـه منظـور بررسـی یـک چنـین دسـتبرد هـا بـه وجـود آمـد و نـه کـسی از ایـن مقامـات مـورد بازخواست قرار گرفت.

یک چنین صـداهایی میـان خـالی در یـک زنجیـره یـی قـرار داد و چنین فهمیده می شـود کـه هریـک از رده هـای بـالایی حکومـت که در اختلاس های بـزرگ دسـت بـاز داشـته انـد بـا اعـضای ارشـد این حاکمیت پیوند داشـته اسـت کـه پـس از چنـد روزی بـه بایگـان خاطرات سپرده می شود.

طـوری کـه سـابقه دارد، ثبـت دارایـی هـای رده هـای بـالایی حکومـت، فقـط یـک تـشریفات اداری باشـد، نخـست بایـد گفـت، قـسمی که معلوم می شود، این اداره هـایی نیـست کـه بتوانـد تمـام دارایـی هـای آشـکار و پنهـان رده هـای بـالایی حکومـت را بـه طـور شـفاف و روشـن ثبـت و راجـستر و پیگیـری نمایـد. سـخن دیگـر آن اسـت کـه آیـا ایـن همه دارایی هـایی کـه طـی سـال هـای اخیـر بـه دسـت آورده انـد، ایـن اداره که مـسوولیت دارایـی هـای مـشروع و نـا مـشروع را دارد، مـی توانـد پیـام روشـن و واضـع داشـته باشـد و آیـا قـادر اسـت، منـابع ایـن همـه دارایـی هـا را بپرسـند و مـردم را در روشـنی قـرار دهنـد. از جانـب دیگـر وقتی ایـن کارمنـدان ارشـد دولتـی از کـار برکنـار مـی گردنـد، هـیچ اداره یی وجود داشته اسـت کـه مقـدار دارایـی آنهـا را بررسـی کنـد و آنچـه بـه طـور غیـر مـشروع بـه دسـت آورده اسـت مـورد ارزیـابی و بـازپرس قـرار دهند.

بایـد گفـت کـه کاریـابی آنهـم در سـطح بـالایی حکومـت بـه مفهـوم دسـت یـابی بـه منـابع پـول، دارایـی، قراردادهـای بـزرگ و منـابع جدیـد اقتصادی است. کثیر کسانی وجـود دارنـد کـه بعـد از خـتم ماموریـت خـود دارایی های کلان به دست نیاورده باشند.

تا جـایی کـه دیـده مـی شـود بررسـی ایـن همـه دشـواری هـا از حـد و توان حاکمیت به دوراسـت، کـشوری کـه در سـطح جهـان دومـین کـشور فساد پیشه از خـود ریکـارد قـائم کـرده اسـت و هـر روز در ایـن حاکمیـت ماجراهـای جدیـد خلـق مـی شـود. ثبـت دارایـی هـای رده هـای بلنـد حکومت، هـر چنـد یـک کـار قـانونی و انـسانی اسـت و کارمنـدان دولـت بایـد همـواره دارایـی هـای خـود را در معـرض دیـد و عینـک تیـز بـین دادگاه ویژه قرار دهند.

امـا در افغانـستان یـک چنـین اداره هـایی آمـده انـد و رفتـه انـد. همـه روزه اشخاص با دارایی هـای کـلان در رسـانه هـا مـتهم مـی شـوند بعـد از روز دیگر این گفته هـا بـه فـساد تبـدیل مـی شـود. ثبـت دارایـی هـای وزراء والیان و سایر کارمندان ارشد دولت در یک

ص۷

درصورت تأیید طرح پیشنهادی کمیسیون مستقل انتخابات از سوی ریاست جمهوری، قرار محکمهٔ ویژه چی خواهد شد؟

روز جمعـه تـاریخ ۱۶ سـرطان سـال روان جلـسهٔ مـشورتی تحـت ریاسـت اقـای کـرزی، جهـت بحـث در مـورد پیـشنهاد کمیـسیون مـستقل انتخابـات در مـورد حـل معـضل ناشـی از انتخابـات پارلمـانی سـال ۱۳۸۹ در ارگ ریاست جمهوری دایر گردید.

در ایـن جلـسه قـضاوت پـوه بهاءالـدین بهـا سرپرسـت دادگـاه عـالی، پوهانـد گـل الـرحمن قاضـی رئـیس کمیسیون نظارت بر تطبیـق قـانون اساسـی، دکتـور رنگـین دادفـر سـپنتا مـشاور امنیـت ملـی، وزرای عدلیـه و امـور پارلمـانی، محمـد علـم نـسیمی، غـلام نبـی نـوایی، محمدقاسـم دوسـت، محمـدعمر ببـرک زی و ضـامن علـی بهسودی اعـضای سـتره محکمـه، عبـدالقادر عـدالت خـواه، محمـدامین احمـدی، محبوبـه حقـوق مـل و پوهانـد سـید عمـر منیـب اعـضای شـورای عـالی کمیـسیون بـر تطبیـق قـانون اساسـی و نـصرالله سـتانکزی رئـیس بـورد عـدلی و حقوقی ریاست جمهوری اشتراک نموده بودند.

در ایـن جلـسه طـرح پیـشنهادی کمیـسیون مـستقل انتخابات، بـه ویـژه در مـورد مـادهٔ شـشم ایـن طـرح مـورد بحث قرار گرفت. در مـادهٔ شـشم طـرح کمیـسیون مـستقل انتخابـات افغانـستان، پیـشنهاد نمـوده اسـت کـه ریاسـت جمهـوری اسـلامی افغانـستان منحیـث رئـیس قـوهٔ سـه گانـه کـشور و نظـارت کننـده از تمـامی ادارات دولـت جمهـوری اسـلامی افغانـستان پیـشنهاد کمیـسیون مـستقل انتخابـات را ملاحظـه فرمـوده و بـه آن صـحه بگذارند.

کمیـسیون مـستقل انتخابـات موضـوع را منحیـث صـلاحیت وظیفـوی مـورد مداقـه قـرار داده اسـناد و مـدارک ارسـالی محکمـه اختـصاصی را بـا اسـناد معتبـری کـه نـزد کمیـسیون مـستقل انتخابـات وجـود دارد مقایـسه می نماید و اگـر مـواردی را دریابـد کـه موجـه باشـد، مـی تواند تـصمیم قـانونی اتخـاذ نمایـد. در پیـشنهاد کمیـسیون انتخابات آمده اسـت کـه، چنـین امـری البتـه نمـی توانـد منـافی نهـایی بـودن نتـایج انتخابـات پارلمـانی سـال گذشته باشد. در پیـشنهاد متـذکره تـصریح شـده اسـت کـه بـا حفـظ نهـایی بـودن نتـایج، هـر گـاه اسـنادی دریافـت گردد کـه نـشان دهـد شـخص دیگـری بـه جـای یکـی از برنـده هـای کنـونی بیـشترین آرا را کـسب نمـوده اسـت، بدون شک عدالت نبایـد پـای مـال گـردد و جهـت تـأمین عدالت از طـرف مرجـع اصـلی آن کـه کمیـسیون مـستقل انتخابات است به آن رسیدگی صورت می گیرد.

جلـسه بعـد از غـور و مداقـه و شـنیدن مواضـع نهادهـای مربـوط، فیـصله نمـود تـا کمیتـه کـاری تحـت ریاسـت پوهانـد گـل الـرحمن قاضـی رئـیس کمیـسیون مـستقل نظـارت بـر تطبیـق قـانون اساسـی و بـه اشـتراک ضـامن علـی بهـسودی عـضو شـورای عـالی سـتره محکمـه، قـانونپوه حبیـب الله غالـب وزیـر عدلیـه، نـصرالله ستانکزی رئیس بـورد عـدلی و حقـوقی ریاسـت جمهـوری و عبـدالقادر عـدالتخواه عـضو کمیـسیون مـستقل نظـارت بـر تطبیـق قـانون اساسـی موضـوع را در روشـنی قـانون اساسـی ومـصالح علیـای کـشور مـورد غـور و مداقـه قـرار داده و الـی عـصر دیـروز پیـشنهاد خـود را بـه ریاسـت جمهوری اسـلامی افغانـستان غـرض تـصمیم گیـری ارائـه نمایند. نتایج پیشنهاد ایـن کمیتـه بـه ریاسـت جمهـوری و تصمیم شخص اول مملکت در مـورد قـضیهٔ متنـازع فیـه بـه رسـانه هـا نرسـیده بـود، تـا جزئیـات آن را غـرض آگاهی خوانندگان تقدیم می نمودیم.

تـا حـال معلـوم نیـست کـه در صـورت تأییـد طـرح پیشنهادی کمیـسیون مـستقل انتخابـات، بـا قـرار قـضایی محکمهٔ حقـوقی انتخابـات در تـضاد قـرار مـی گیـرد و یـا خیر!